

فناوری و رسانه

بناهای تاریخی، رسانه بصری



ونوس بهنود
دبیر تحریریه
vbehnood@gmail.com

خانه تاریخی مقدم



رسالت تک بناهای تاریخی صرف بازگویی گوشه‌ای از تاریخ یک شهر به عنوان مثال حیات و ممت سلسله‌ها و حکومت‌ها نیست بلکه فرم، مصالح، هنر و حتی محل قرارگیری بنای تاریخی به نوعی ناقل پیامی از گذشته است؛ پیامی که با حذف و تخریب بنا، تخریب شده و عکس‌های و فیلم‌های باقی مانده از بنای تاریخی نیز قدرت انتقال آن را نخواهد داشت

چنین بناهایی شاید بیش از قدم زدن در خیابان‌ها و صحبت با ساکنان شهر، قادر به فهم اندیشه شهر و داستان‌های رفته بر آن باشد. صیانت از تک بناهای تاریخی به عنوان رسانه‌های بصری شهری که بیشترین اطلاعات خود را از طریق بازدید و تجدید دیدار انتقال می‌دهند، در حال و هوای کنونی شهرها که با نوعی سرگشتگی و گم‌گشتگی مواجه هستند، ضروری است. در واقع هر بنای تاریخی خود می‌تواند آدمی را به اصالت فکری و اندیشه‌های کهنی که سینه به سینه در آن‌ها، رنگ‌ها، مشبک‌ها و در و پنجره‌ها ریشه دوانده، باز گرداند.

بناهای تاریخی قادر به ارتقا سواد رسانه‌ای ما

به عقیده هابز مفهوم سواد یکی از پرکاربردترین مفاهیم برای مربیان است که در متون آموزشی از ۳۰۰ سال پیش طرح شده است. سواد رسانه‌ای یا *media literacy* نوعی از سواد است که مطابق تعریف شرک‌خواه نوعی درک متکی بر مهارت است که می‌توان بر اساس آن انواع رسانه‌ها را از یکدیگر تمییز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. از سویی به عقیده حسین زاده، سواد رسانه‌ای به معنای مجموعه‌ای از مهارت‌ها، نگرش‌ها و دانش‌های لازم به منظور درک و فهم و استفاده از انواع مختلف رسانه‌ها است که طی آن اطلاعات از یک فرستنده به یک گیرنده انتقال می‌یابد و محتوای آن می‌تواند در قالب تصویر، متن و صوت باشد. این تأکیدات موید این موضوع است که از طریق تولیدات معماری در فضای شهری می‌توان خلق اطلاعات کرد و با آموزش هوشمندانه شهروندان و انتقال صحیح اطلاعات آنها را در جریان واقعیت‌ها و اطلاعات صحیح قرار داد. در واقع مقوله بازدید از بنای تاریخی به نوعی انتقال اطلاعات آن اثر به همراه ارائه اطلاعات جامع و مفید باید در سطح گسترده‌تر دیده شود.

در بستر فضای مجازی و رسانه‌های تحت وب می‌توان بازدیدهای مجازی را با هدف انتقال میراث معنوی و هویتی شهرها مورد تأکید قرار داد. از سوی دیگر حفظ یک بنای تاریخی مطابق با معماری کهن آن که از سوی باستان‌شناسان تأکید می‌شود نیز بر اساس اهمیت انتقال اطلاعات صحیح از اثری کهن و بی نظیر پایه‌گذاری شده است. آنچه که امروز می‌تواند به بحران‌های هویتی در شهرهای ایران خاتمه داده و به نوعی بازگشت به اصالت و داشته‌های اصیل را موجب شود و همچنین ناقل پیام جهانی میراث معنوی این خطه باشد، تک بناهای تاریخی است که هر یک مانند رسانه‌ای در کالبد شهر حیات داشته و تا زمانی که صیانت از آن را جدی بگیریم به حیات خود ادامه خواهند داد.

شهرها حامی پیام‌اند

زمانی که اولین تافلر از موج سوم تمدن بشری یا عصر فراصنعتی یاد می‌کرد، در واقع انقلاب اطلاعات را به عنوان آخرین رویداد بشری مطرح کرد که تمامی حوزه‌های زندگی او را تغییر داده است. سعیده السادات گرامیان در مقاله‌ای به صراحت حتی به تغییر ماهیت قدرت در موج سوم با تأکید به نظریات تافلر پرداخته است. از سویی مک لوهان نیز مهم‌ترین کالدر عصر جدید را اطلاعات می‌داند. وی معتقد است در عصر الکترونیک، کالای اصلی اطلاعات است. اهمیت اطلاعات موجب شده تا موضوع ابزارهای اطلاعاتی و هر آنچه پیامی را انتقال می‌دهد، در عصر کنونی برجسته شود. به طوری که امروز هزاربازی به منزله یک رسانه و یک ناقل پیام قلمداد می‌شود و سهم بناهای تاریخی در کالبد شهر نیز از این قاعده مستثنی نیست. به تعبیر محققان، بناهای تاریخی و حتی کالبد کلی شهر جان دار و حاوی فرهنگ، زبان و هویت است. به تعبیر سید محسن حبیبی «شهر مکانی بود که در عین واقعیت و عینیت، از حقیقت و ذهنیتی نشان داشت که در ورای چهره‌ظاهری آن، رخ پنهان کرده بود. شهر ایرانی، شهری بود مملو از زندگی، پراز خاطره و سرشار از واقعه و حادثه. این شهر بدان سبب ساخته شده بود که کالبدی زیبا داشته باشد و کلیتی آهنگین، شهر از آن روی شکل گرفته بود تا حامل پیامی باشد از سرزمین موعود، تا رابطی باشد بین وجود و موجود، بین مکشوف و مستور.» در واقع معماری شهری مطابق تعاریفی که اشاره شد، خود به منزله دریافت و ادراک اطلاعات از شهر است. در این میان برخی بناها به واسطه حیات طولانی در کالبد شهر، به عنوان یک رسانه عمل می‌کنند و گویای هویت تاریخی شهر هستند. محمد هادی همایون در مقاله‌ای می‌نویسد: «فعالیت ارتباطی بشر که از آغاز زیست جمعی و اجتماعی با او همراه بود، دچار تحولات فراوان شده و در هر عصر به نوعی خاص جلوه‌گر شده است. اینک که در هزاره سوم، تمدن بشری وارد عصر ارتباطات و اطلاعات شده است، بر توجه و اثربخشی علم ارتباطات افزوده شده و یکی از مطرح‌ترین علوم در عرصه روابط بشری به حساب می‌آید.» مجموعه تأکیدات گویای اهمیت رسانه‌های بصری یاد داری، شنیداری و تمام آنچه که در کالبد یک فضا ناقل پیام باشد، است. تا جایی که بررسی بناهای تاریخی گویای این واقعیت است که هر بنای تاریخی علاوه بر زیبایی و جاذبه بصری به عنوان یک رسانه در فضای شهری مورد توجه است. اما در عین حال در عصر کنونی لازم است با ارتقا سواد رسانه‌ای، تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای بویژه برای رسانه‌های ناملموسی از جمله یک بنای تاریخی آموزش داده شود.

در کتب تاریخی و در تمامی سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی شهرها، همواره یکی از محورهای گفت‌وگو، بناهای ویژه و منحصر به فرد آن منطقه است تا جایی که برخی بناها خود به تنهایی به منزله برند و هویت یک منطقه محسوب می‌شود و زمانی در بازتعریف هویت نیز المان و نمادی برای یک شهر است؛ به طوری که اغلب این بناها از صرف یک ساختمان عبور کرده و گذشته فرهنگی و تاریخی آن مورد توجه است. به طوری که در ادبیات عامیانه و حتی در اخبار رسمی برخی المان‌ها و ساختمان‌ها اشاره صریح به یک منطقه و شهری مشخص دارد. این گروه از بناهای تاریخی که در کشور ایران می‌توان در هر شهر مثالی از آن را مطرح کرد، به دلیل واگویی هویت و اندیشه شهر و به دلیل نقش کلیدی در رویدادهای تاریخی و مهم‌ترین وقایع شهری به نوعی نماد آن شهر محسوب شده و شونده و بیننده سرنوشت آن نیز تعلق خاطر آن را به شهر مربوطه ادراک و لمس می‌کند.

اهمیت این بناها است که موضوع ثبت ملی آثار غیرمنقول و ثبت جهانی آثار فرهنگی را دامن زده است. اما این گروه از بناها زمانی که در بافت معنایی فضای شهری قرار می‌گیرد، نقشی کلیدی را نیز ایفا می‌کند. اهمیت چنین بناهایی تا حدی است که در صورت تخریب نکردن و صیانت صحیح، خود به منزله پیر و مرشد و معلم و پیشکسوتی است که می‌تواند هویت شهری را در بخش‌های مختلف خود تشریح و تثبیت کند.

اما واقعیت این است که با گسترش شهرها و تغییر ساختار شهرها، محدوده‌های قدیمی تغییر شکل داده و امروز حتی در شهرهای تاریخی به جای محله‌های قدیمی، تک بناهای تاریخی باقی مانده است. هر چند شهرهای تاریخی بخش‌هایی تحت عنوان بافت فرسوده و سنتی را در بطن خود دارند اما عملاً چهره این بخش از شهرها تغییر یافته و تنها یادگار هویت شهری، تک بناهای تاریخی است.

رسالت تک بناهای تاریخی صرف بازگویی گوشه‌ای از تاریخ یک شهر به عنوان مثال حیات و ممت سلسله‌ها و حکومت‌ها نیست بلکه فرم، مصالح، هنر و حتی محل قرارگیری بنای تاریخی به نوعی ناقل پیامی از گذشته است؛ پیامی که با حذف و تخریب بنا، تخریب شده و عکس‌ها و فیلم‌های باقی مانده از بنای تاریخی نیز قدرت انتقال آن را نخواهد داشت. از طرفی در بحران هویتی شهرهایی که بی‌توجه به اندیشه متعالی رو به افزایش هستند و شهرک‌سازی‌ها به جان ساخت و سازهای قاعده‌مند بافت‌های کهن شهری افتاده است، همچنین هر بنای تاریخی می‌تواند به مانند رسانه‌ای بصری پیامی از گذشته را انعکاس داده و بخشی از حقیقت شهری را عیان سازد. زمانی که غریبه و گردشگری وارد یک شهر می‌شود با مراجعه به